

بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و میزان توسعه مناطق شهر ایلام^۱

یار محمد قاسمی*

بتول رستمی**

تاریخ دریافت: ۹۲/۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۳/۹/۱۶

چکیده

هدف این مقاله بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و سطح توسعه مناطق شهر ایلام است. جهت تبیین این رابطه، تلفیقی از نظریه آنومی و استعمار زیست جهان و برزخ اجتماعی، مورد استفاده قرار گرفته است. روش تحقیق مقاله حاضر پیمایش و جامعه آماری شامل تمام سرپرستان خانوار در شهر ایلام است که به دلیل گستردگی جامعه آماری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شده است. نمونه آماری این مطالعه بالغ بر ۴۰۲

- این مقاله از پایان نامه بتول رستمی با همین عنوان برگرفته شده؛ که در تاریخ ۹۰/۹/۲۰ از آن دفاع شده است.

ym-ghasemi۲۰۰۴@yahoo.com

* دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه ایلام، نویسنده مسؤل..

batoolrostami@yahoo.com

** کارشناسی ارشد جامعه شناسی..

نفر است. متغیر وابسته در این تحقیق سطح توسعه مناطق شهر ایلام است که بر اساس درجه توسعه یافتگی به ۳ منطقه توسعه یافته، کم توسعه و توسعه نیافته تقسیم بندی شده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که، میزان اعتماد بین فردی در بین پاسخگویان بالاتر از اعتماد عمومی و نهادی است، میزان مشارکت غیررسمی در میان آنان بالا و میزان مشارکت رسمی پایین است. بین میزان همیاری، اعتماد نهادی و میزان مشارکت سیاسی با سطح توسعه مناطق شهر رابطه وجود ندارد. در نتیجه می‌توان گفت که در جامعه ایلام با وجود این که از نظر کالبدی در حال گسترش است، اما بواسطه وضعیت آنومی ک جامعه از یکسو و تخریب زیست جهان اجتماعی از سوی دیگر، که هر دو از پیامدهای تجربه مدرنیزاسیون است، رابطه توسعه مناطق شهری و سطح سرمایه اجتماعی دچار آشفتگی شده است.

واژه‌های کلیدی: توسعه شهری، سرمایه اجتماعی، زیست جهان، سیستم،

مدرنیزاسیون، آنومی.

طرح مسأله

سرمایه اجتماعی واژه‌ای است که در سال‌های اخیر بسیاری از تحلیلگران اجتماعی و اقتصادی همچنین صاحب نظران حوزه مدیریت شهری برای تحلیل و علت یابی مسائل از آن استفاده می‌کنند، تا جایی که بولن^۱ توسعه محلات را منوط به شکل گیری سرمایه اجتماعی دانسته است. در صورت وجود سرمایه اجتماعی در محلات، توانایی ساکنان آنها جهت مشارکت در کارهای محله دوچندان می‌شود، اینجاست که توجه به سرمایه اجتماعی در کنار سرمایه‌های اقتصادی، فیزیکی، مادی و... برای توسعه شهرها احساس می‌شود. سرمایه اجتماعی همان روابط موجود بین افراد است که منجر به

نوعی همکاری می‌شود و در نهایت یک کنش جمعی را تسهیل می‌کند چون کمیت و کیفیت امکانات، خدمات و تسهیلات شهری جوابگوی جمعیت مهاجر شهرنشین یا به گفته هربرت گانز^۱ «روستاییان شهری» نیست، پس مدیران شهری علاوه بر توجه به سرمایه‌های مادی و فیزیکی جهت توسعه شهرها، می‌توانند نگاهی نیز به سرمایه اجتماعی بعنوان یک پتانسیل داشته باشند.

بسیاری از جامعه‌شناسان مکاتب گوناگون تئوری‌هایی در خصوص رابطه توسعه سرمایه اجتماعی عنوان کرده‌اند، اما این تئوری‌ها قادر به تبیین فرایند توسعه در شهر ایلام نیستند، از این رو این مقاله جهت تبیین پدیده توسعه در شهر ایلام از ترکیب تئوری «زیست جهان و سیستم» هابرماس، تئوری «آنومی» دورکیم و تئوری «برزخ اجتماعی» قاسمی به نظریه مبنایی خود رسیده است. پژوهش‌های انجام گرفته در این راستا را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد؛

دسته اول: تحقیقاتی که راجع به سرمایه اجتماعی صورت گرفته است: (علیوردی نیا ۱۳۸۷، قاسمی ۱۳۸۹، ترکمانی ۱۳۸۵، اکبری ۱۳۸۵، سعادت ۱۳۸۵، حسینی و همکاران ۱۳۸۵، پیران و همکاران ۱۳۸۵، ثانی و ملکی ۱۳۸۵، روشنفکر و ذکایی ۱۳۸۵، باستانی و همکاران ۱۳۸۶، وحید قاسمی و همکاران ۱۳۸۵).

دسته دوم: تحقیقاتی که راجع به توسعه شهری انجام پذیرفته است: ملکی (۱۳۸۶)، تقوایی و خوب آیند (۱۳۸۱)، ملکی (۱۳۸۷).

دسته سوم: تحقیقاتی که راجع به رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه شهری انجام گرفته: خاکپور و همکاران ۱۳۸۵، غیاثوند ۱۳۸۸، موسوی ۱۳۸۵، نوغانی و همکاران ۱۳۸۶، توکلی و میرزاپور ۱۳۸۸، صمدی ۱۳۸۷، صفدری و همکاران ۱۳۸۶، امیری و رحمانی ۱۳۸۵، بوستانی ۱۳۸۶، تشکر و معینی ۱۳۸۵، فدوی ۱۳۸۷ و فیروزآبادی و ایمانی جاجرمی ۱۳۸۵.

هیچ کدام از تحقیقات پژوهشگران یاد شده، مستقیماً در خصوص موضوع این مقاله نیست؛ گرچه تحقیق فدوی به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه شهری در منطقه ۵ شهر تهران پرداخته اما وی این رابطه را در شهری که فرآیند توسعه در آن به شکل طبیعی طی شده است بررسی کرده در حالی که فرآیند توسعه در شهر ایلام مسیر طبیعی را نپیموده است.

تا پیش از سال ۱۳۴۰، فرهنگ سنتی ناشی از شیوه زندگی دامداری و کوچروی بر زندگی ساکنان ایلام مستولی بود؛ و این شیوه امرار معاش، مناسبات اجتماعی و فرهنگی و کنش‌های متقابل خاصی را طلب کرد. اما پس از این زمان به دلیل تصمیمات دولت وقت و ورود مدرنیزاسیون، رواج شهرگرایی و شهرنشینی، که منجر به ورود شدید مهاجران به شهر ایلام و تغییر در شیوه معیشت آنها شد، این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که آیا رابطه‌ای بین میزان سرمایه اجتماعی مردم و توسعه مناطق شهر ایلام وجود دارد یا خیر؟ در واقع مقاله حاضر در صدد پاسخ به این پرسش بر اساس بررسی تجربی است.

انجام این پژوهش از دو جنبه ضروری می‌نماید:

- با توجه به این که پژوهش‌چندانی در این زمینه صورت نگرفته، یافته‌های این تحقیق می‌تواند بعنوان زمینه‌ای برای کسانی که علاقمند به پژوهش در این حوزه هستند، بکار آید.
- مدیران شهری می‌توانند با لحاظ نمودن اهمیت سرمایه اجتماعی در برنامه‌ریزی‌های شهری، در هزینه‌های شهری صرفه‌جویی نمایند که در مقایسه با شرایط عدم استفاده از سرمایه اجتماعی بعنوان ذخیره و پس‌انداز، مردم یک شهر به سرمایه مادی و اقتصادی کمتری نیاز دارند.

چارچوب نظری

پیر بوردیو^۱ از جمله اندیشمندانی است که مستقیماً از سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر رشد اقتصادی و ایجاد نابرابری سخن گفته است. بوردیو سرمایه اجتماعی را حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی می‌داند که نتیجه مالکیت شبکه باادامی از روابط نهادی شده بین افراد و عضویت در یک گروه است که این شبکه پیوندها، مثبت و مبتنی بر اعتماد هستند (شارع پور، ۱۳۸۵: ۳۱). سرمایه اجتماعی بعنوان شبکه‌ای از روابط بطور طبیعی و خودبخودی وجود نمی‌آید، بلکه در طول زمان برای کسب آن باید تلاش کرد و به تعبیر بوردیو محصول سرمایه‌گذاری فردی و جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه افراد است که منجر به تثبیت و بازتولید روابط اجتماعی می‌گردد که در درازمدت یا کوتاه مدت قابل استفاده است و نوعی ابزار دستیابی به منابع اقتصادی و فرهنگی از طریق ارتباطات اجتماعی است. در دیدگاه بوردیو سرمایه اجتماعی و فرهنگی ابزاری هستند برای این که فرد سرمایه اقتصادی [توسعه، پیشرفت، رفاه و بهبود شرایط فعلی در اینجا] خود را افزایش دهد. بوردیو سرمایه را در ۳ شکل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی معرفی می‌کند و همه انواع سرمایه را قابل تبدیل به سرمایه اجتماعی می‌داند. بوردیو به وجه منفی سرمایه اجتماعی توجه ندارد و به شیوه‌های بکارگیری اتصالات توسط برخی گروه‌ها برای کسب سود تمرکز دارد و جایگاه عاملین را در میدان و صحنه اجتماعی بسته به نوع و میزان سرمایه نسبی شان و از طریق استراتژی‌های خاصی که برای دستیابی به اهداف شان اتخاذ می‌کنند مشخص می‌کند (فیلد، ۱۳۸۵: ۲۹). بعبارتی میزان توسعه محیط زندگی شهری به نوع و میزان سرمایه اجتماعی ساکنان آن منطقه و استراتژی‌هایی که برای رسیدن به شرایط بهتر جهت زندگی اتخاذ می‌کنند بستگی دارد، و میزان دستیابی به اهداف به میزان شعاع اعتماد آن گروه بستگی دارد.

به نظر جیمز کلمن^۱ سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود؛ سرمایه اجتماعی شیء واحدی نیست بلکه شامل جنبه‌ای از ساخت اجتماعی و عناصر و پیوندهایی است که حیات اجتماعی را تداوم می‌بخشد و واکنش‌های افراد درون ساختار را تسهیل و دستیابی به اهداف معین را که در نبود آن دست نیافتنی خواهند بود را امکان‌پذیر می‌سازد (کلمن، ۱۳۷۷: ۶۲). بعقیده کلمن سرمایه اجتماعی هر چند ارزش دارد اما به آسانی مبادله نمی‌شود، و دارایی شخصی هیچ یک از افرادی که از آن سود می‌برند نیست و معمولاً شخص خاصی آن را بوجود نمی‌آورد، و برخلاف سایر انواع سرمایه در صورت استفاده نه تنها تمام نمی‌شود بلکه افزایش هم می‌یابد. کلمن تحت تأثیر کاربرد نظریه انتخاب عقلانی در تبیین رفتار، بر منافع فردی سرمایه اجتماعی تأکید می‌کند.

پاتنام^۲ سرمایه اجتماعی را آن دسته از عناصر و ویژگی‌های نظام اجتماعی مانند: اعتماد اجتماعی، هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های اجتماعی می‌داند که هماهنگی و همکاری در بین افراد یک جامعه برای دستیابی به سود متقابل را تسهیل می‌کند (غریبی، ۱۳۸۹: ۱۳۸). وی به چگونگی کارکرد سرمایه اجتماعی در سطح ملی و منطقه‌ای و نوع تأثیرات آن بر نهادهای دموکراتیک و در نهایت توسعه اقتصادی علاقمند است. او در دهه ۷۰ تأثیر سرمایه اجتماعی در تقویت جامعه مدنی و کارآمدی دموکراسی از سویی و رشد و توسعه اقتصادی از سوی دیگر را مورد بررسی قرار داده و به نتیجه تأثیر مثبت آن پی برده است.

فوکویاما^۳ نیز سرمایه اجتماعی را در سطح - کلان - کشورها و در ارتباط با رشد و توسعه اقتصادی آنها مورد بررسی قرار داده است. وی بر خصلت جمعی سرمایه

۱. James Samuel Coleman

۲. Robert David Putnam

۳. Francis Fukuyama

اجتماعی تأکید کرده و آن را به منزله دارایی گروه‌ها و جوامع تلقی کرده است. وی سرمایه اجتماعی را مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی همچون صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه می‌داند که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان‌شان مجاز است در آن سهیم هستند. مهمترین منابع سرمایه اجتماعی از نظر وی عبارتند از: خانواده و هنجارهای اجتماعی (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۱۱ و ۱۲).

بر اساس بررسی‌های اولیه که از آثار صاحب نظران^۵ که طرح دیدگاه‌های آنان در این مقاله کوتاه مقذور نبود^۶ در خصوص رابطه بین سرمایه اجتماعی و سطح توسعه بعمل آمده است؛ هیچ کدام به اندازه ترکیب تئوری «زیست جهان و سیستم» هابرماس و تئوری «آنومی» دورکیم و «برزخ اجتماعی قاسمی» (۱۳۷۹) قادر به تبیین رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه شهری ایلام نیستند. زیرا آن تئوری‌ها برای جوامعی که پروسه توسعه را بطور طبیعی طی کرده‌اند طراحی شده‌اند. وجه مشترک تئوری‌های حاضر آن است که هر سه در آنچه که کادر اجتماعی^۷ فرهنگی جامعه ایلام را نشانه رفته و آن را از مسیر طبیعی خود خارج ساخته، اتفاق نظر دارند. به نظر می‌رسد جامعه فعلی ایلام از نظر سیر تحول و تطور تاریخی ساختار اجتماعی^۸ اقتصادی، جامعه‌ای منحصر بفرد بوده (قاسمی، ۱۳۷۹: ۵۶). و با استفاده از تئوری‌های تلفیقی بهتر می‌توان مسائل آن را تبیین کرد.

تمام کارکردگرایان از جمله دورکیم شرط بقا و سلامت جامعه را وارد شدن انسان در پیمان‌ها و قراردادهای اجتماعی و تسلیم به آنها می‌دانند (تنهایی، ۱۳۷۵: ۸۹)؛ یعنی افراد برای دستیابی به بقا، سلامت، پیشرفت و توسعه بیشتر جامعه، ناگزیر از ورود به پیمان‌ها و قراردادهای اجتماعی و سیل جریان سرمایه اجتماعی که حاصل کنش متقابل افراد جامعه است می‌باشند. اما گذار از پارادایم سنت (همبستگی مکانیکی) و انتقال به پارادایم مدرنیته (همبستگی ارگانیکی) به این سادگی‌ها و بدون فراز و نشیب نیست. جامعه در حال گذر از این مسیر پر تلاطم وارد دوره‌ای برزخی به نام آنومی یا آشفتگی اجتماعی می‌شود. آنومی به معنای از هم پاشیدگی هنجارهاست

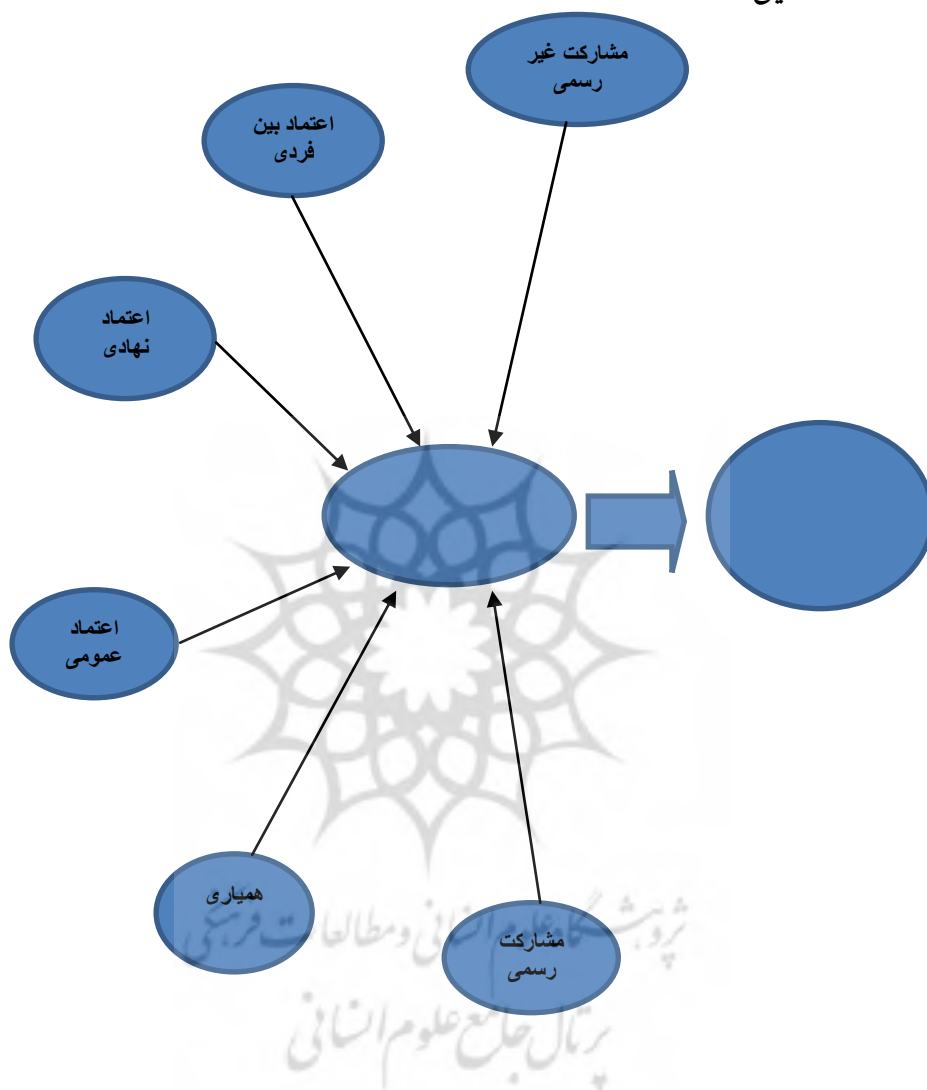
(قاسمی، ۱۳۸۲: ۷). آنومی وضعیتی است که بر اساس آن جامعه بینابین دو نظام هنجاری سنتی و مدرن قرار می‌گیرد با این توصیف که افراد نظام هنجاری پیشین (سنتی) را ترک کرده ولی هنوز به نظام هنجاری جدید نائل نشده‌اند در نتیجه دنیایی برزخی پیش روی جامعه قرار می‌گیرد. در این محدوده زمانی، جامعه دچار آنومی و آشفتگی اجتماعی می‌شود (همان: ۸). آنومی زمانی بوجود می‌آید که مناسبات اجتماعی که بر نظام پیشین (سنتی) حاکم بوده است اکنون دیگر قادر به تدبیر امور نیست؛ ایدئولوژی و فرهنگ در معرض آشفتگی و ضعف قرار می‌گیرد؛ جامعه سرگردان و بلا تکلیف می‌شود و اعضای آن برای دستیابی به اهداف و آرزوهای خود، خطوط راهنمایی را در اختیار ندارند و اغلب مواقع احساس نگرانی و بی‌جهتی می‌کنند (همان: ۱۱).

هابرماس میان جهان زندگی (جهان سطح خردتری که در آن کنشگران ضمن ارتباط با یکدیگر، در مورد امور گوناگون به تفاهم می‌رسند) و نظام اجتماعی پهن دامنه‌تر و خرده نظام‌های آن، تمایز قائل می‌شود. هابرماس میان عقلانیت نظام اجتماعی (جامعه) و عقلانیت جهان زندگی، اصولاً تمایز قائل می‌شود. در حالی که عقلانیت اجتماعی مستلزم نهادمندی یک نظام هنجاریبخش است، عقلانیت جهان زندگی مستلزم آن است که انسان‌ها آزادانه با یکدیگر به توافق رسند، نه آن که تحت تأثیر نیرومند نیروهای خارجی به این توافق دست یابند. هابرماس استدلال می‌آورد که در جهان معاصر عقلانیت با نرخ برابری در هر دو سطح رشد نکرده است، زیرا نظام اجتماعی سریعتر از جهان زندگی، عقلانی شده است. در نتیجه، جهان زندگی تحت چیرگی یک نظام اجتماعی عقلانی شده درآمده است. بر اثر همین وضع، زندگی روزانه دچار فقر شده است و جهان زندگی بیش از پیش بی‌مایه گشته است. به نظر هابرماس راه حل این قضیه در رهایی جهان اجتماعی از چنگ استعمار نظام اجتماعی نهفته است، تا از این طریق، جهان اجتماعی بتواند به شیوه مناسب خود (توافق ارتباطی آزادانه) عقلانی گردد (ریتزر، ۱۳۸۴: ۶۰۵ و ۶۰۶).

بر اساس این دیدگاه از سال ۱۳۴۰ به بعد با تحول در فرآیند شهرنشینی شهر ایلام و ایجاد تغییرات ساختاری در فرهنگ بومی و سنتی مردم و پس از آن در سال ۱۳۵۰ با افزایش قیمت نفت و تحول زیر ساخت‌های مادی، گسترش فضای کالبدی در شهر ایلام مضاعف شد. با تبدیل شدن ایلام به استان، سیل بودجه‌ها و امکانات بسوی آن روان گشت و ساختمان سازی و... بسرعت شتاب گرفت که این دگرگونی‌ها منجر به ایجاد تغییراتی در پارادایم فرهنگی (سنتی) جامعه، تقسیم اجتماعی کار و ورود مدرنیزاسیون به ایلام شد و باعث گردید که زمینه‌های گسترش عقلانیت ابزاری در جامعه فراهم شود، زیرا به لحاظ اجتماعی سلطه عقل ابزاری می‌تواند، نفس ساختار منافع و علائق بشری را دگرگون کند (هابرماس، ۱۹۷۱:۱۱۳). در این راستا به عقیده هابرماس هر نظام اجتماعی از دو بخش سیستم زیست جهان تشکیل شده است. سیستم از عقلانیت ابزاری پیروی می‌کند و زیست جهان از عقلانیت ارتباطی و در حقیقت جهان عرصه کشمکش میان این دو بخش است. تا قبل از سال ۱۳۴۰ جامعه ایلام یک جامعه سنتی بود که برای خود زیست جهانی مبتنی بر کنش ارتباطی داشت که هنجارها و ارزش‌های آن را مناسبات خاص جامعه آن زمان ایلام تدبیر می‌کرد؛ اما پس از تحولات ساختاری سال ۱۳۴۰ در بعد کلان کشوری، وضعیت ایلام نیز دچار تغییر شد. عرضه تکنولوژی و نهادهای مدرن بر جامعه، فرم‌اسیون معیشتی آن را دچار دگرگونی کرد و به تعبیر هابرماس مقدمه سیطره سیستم بر زیست جهان فراهم گردید و بخش سخت افزاری جامعه بسرعت تغییر یافت در حالی که بخش نرم افزاری و فرهنگی جامعه مجال این را پیدا نکرد که به این سرعت دگرگون شود، در نتیجه جامعه از چارچوب فرهنگی پیشین فاصله گرفت اما بلافاصله به چارچوب جدید دست نیافت هر چند به قصد دستیابی به یک پارادایم جدید حرکت خود را آغاز کرد. از سال ۱۳۷۰-۱۳۵۰، سیل مهاجران روستایی و عشایر و آوارگان جنگ بسوی این شهر روان گشت، این مسائل باعث ایجاد اختلال در روابط اجتماعی و رشد اخلاق

فردگرایی گردید. این دوره همزمان با فرآیند تحول در همبستگی مکانیکی و خدشه در استقلال زیست جهان بود، هر چند در طول سال‌های جنگ^۵ از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۸- مردم به دلیل شرایط بحرانی دوباره به زندگی جمعی بازگشتند، اما پس از اتمام جنگ دوباره شهر ایلام در معرض تغییرات بارز فرهنگی قرار گرفت از جمله این که خانواده‌های گسترده بصورت خانواده‌های هسته‌ای ۲ تا ۵ نفره تفکیک شدند و جدایی از خانواده بعد از ازدواج بعنوان یک ارزش تلقی گردید، حریم‌ها و فضاها در شهر خصوصی تر شد و مراودات فرهنگی و اجتماعی در بین مردم کمتر شد. همه این تحولات حکایت از وارد شدن ایلام به مرحله گذار و آغاز سیطره سیستم بر زیست جهان دارد. در این بحبوحه شهر ایلام حتی از لحاظ ساختاری و فیزیکی نیز دچار آنومی گردید و این مسأله باعث تحول در فرآیند کنش متقابل ساکنان شهر و حتی اختلاط مکانی و طبقاتی شد. در چنین وضعیتی تداخل پیچیده‌ای بین مسکن فقرا و ثروتمندان بوجود می‌آید و محلات را نمی‌توان بر حسب مکتب مالی طبقه بندی کرد (حیدری، ۱۳۸۸: ۱۲۰). در این دوره ایلام شاهد رشد اخلاق فردگرایی، سستی نظام‌های هنجاری پیشین، عدم پیش بینی رفتارهای جمعی، تشکیک در اقتدار و در نهایت رشد عقلانیت ابزاری است که به تعبیر هابرماس می‌توان گفت مقدمات سیطره سیستم بر زیست جهان در شهر ایلام فراهم شد. به دنبال این تغییرات انتظار می‌رود که در کم و کیف سرمایه اجتماعی ساکنین شهر نیز تغییراتی ایجاد شود؛ از جمله این که در نحوه همیاری‌ها تحول ایجاد شود، اعتماد عمومی کاهش یابد، فضای اعتماد بین گروهی و بین فردی پررنگ‌تر گردد و نوع مشارکت‌های اجتماعی تغییر پیدا کند و حتی مشارکت‌های سیاسی نیز متحول شود که با فرض تحقق تحولات یاد شده، انتظار می‌رود که میزان توسعه مناطق شهر، تحت تأثیر قرار گیرد.

مدل تحقیق



فرضیات

با توجه به همین منطق تئوریک؛ یعنی چیرگی سیستم بر زیست جهان و وضعیت برزخی در جامعه ایلام، فرضیات زیر ارائه می‌گردد:

فرضیه کلان

- به نظر می‌رسد که بین سرمایه اجتماعی و سطح توسعه مناطق شهر ایلام رابطه وجود ندارد.

فرضیات اختصاصی

- به نظر می‌رسد که بین اعتماد بین فردی و سطح توسعه مناطق شهر ایلام رابطه وجود ندارد.

- به نظر می‌رسد که بین اعتماد نهادی و سطح توسعه مناطق شهر ایلام رابطه وجود ندارد.

- به نظر می‌رسد که بین اعتماد عمومی و سطح توسعه مناطق شهر ایلام رابطه وجود ندارد.

- به نظر می‌رسد که بین همیاری و سطح توسعه مناطق شهر ایلام رابطه وجود ندارد.

- به نظر می‌رسد که بین مشارکت رسمی و سطح توسعه مناطق شهر ایلام رابطه وجود ندارد.

- به نظر می‌رسد که بین مشارکت غیر رسمی و سطح توسعه مناطق شهر ایلام رابطه وجود ندارد.

تعریف متغیرها

تعریف مفهومی متغیر وابسته (توسعه شهری): عبارتست از: بسیج امکانات بالقوه اجتماعی و اقتصادی و کالبدی برای بالا بردن محیط زیست شهری و برقراری توازن در کمیت و کیفیت زندگی شهری. در این نوع گسترش، آموزش، خدمات، بهداشت و در مجموع فرهنگ بشری به همراه کیفیت سکونت افزایش می‌یابد.

تعریف عملیاتی توسعه شهری: تلفیق شاخص‌های دسترسی به امکانات متمرکز آموزشی، درمانی و بهداشتی، فرهنگی، ورزشی، تجاری، بالا بودن میزان اشتغال، صرفه جویی در دسترسی و هزینه‌ها، سکونت اقشار ثروتمند و غیره که در ۳ سطح رتبه‌ای توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته مورد بررسی قرار گرفته است (جدول ۱).^۱

جدول ۱- رتبه بندی نواحی شهر ایلام براساس شاخص‌های تلفیقی

ناحیه	نواحی شهری	شاخص‌های ترکیبی	میزان توسعه پایدار شهری
۱	مرکزی (سعدی)	۷۲/۰	توسعه یافته
۲	تپه شاهد	۵۹/۰	در حال توسعه
۳	رزمندگان	۵۶/۰	
۴	شادآباد (صد دستگاه)	۵۱/۰	
۵	زمین شهری	۴۵/۰	توسعه نیافته
۶	نوروز آباد (فرودگاه)	۴۴/۰	
۷	پیچ آشوری	۴۳/۰	
۸	سبزی آباد	۴۲/۰	
۹	جانبازان	۳۵/۰	
۱۰	استانداری	۳۳/۰	
۱۱	پشت صدا و سیما	۳۰/۰	
۱۲	بان بور-هانیوان	۲۵/۰	
۱۳	بان برز	۲۵/۰	
۱۴	ویژین چالیمار	۱۵/۰	

مأخذ: (ملکی، ۱۳۸۷: ۳۱-۲۰)

- این تقسیم بندی از مطالعه ملکی، سعید، ۱۳۸۷، مقاله: تعیین سطح توسعه یافتگی نواحی شهری ایلام؛ با استفاده از روش‌های تحلیل عاملی و شاخص‌های ترکیبی توسعه انسانی، فصلنامه فرهنگ ایلام شماره ۲۱ و ۲۰ پاییز و زمستان ۱۳۸۷، ص ۲۰۷-۱۸۵ اخذ شده است.

تعریف مفهومی متغیر مستقل (سرمایه اجتماعی): پاتنام سرمایه اجتماعی جنبه‌هایی از سازمان اجتماعی از قبیل هنجارها، شبکه‌های اجتماعی و اعتماد متقابل است که همیاری و هماهنگی افراد برای دستیابی به منافع مشترک را، تسهیل می‌کند (غریبی، ۱۳۸۹: ۱۳۸).

تعریف عملیاتی سرمایه اجتماعی شامل: اعتماد بین فردی، اعتماد نهادی، اعتماد اجتماعی، همیاری‌های مردم، مشارکت رسمی و مشارکت غیررسمی است که در سطح رتبه‌ای و در قالب چهل گویه مورد سنجش قرار گرفته است.

روش شناسی

روش تحقیق مبتنی بر پیمایش اجتماعی است و جامعه آماری شامل تمام سرپرست‌های خانوار در شهر ایلام می‌باشد که به لحاظ گستردگی جامعه آماری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. شهر ایلام دارای ۴ منطقه، ۱۴ ناحیه و ۳۸ محله شهری می‌باشد که از ۱۴ ناحیه شهری، ۱ ناحیه توسعه یافته، ۳ ناحیه کم توسعه یافته و ۱۰ ناحیه دیگر توسعه نیافته می‌باشند. بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، تعداد ۳۴۶۳۴ خانوار در شهر ایلام ساکن بوده‌اند که بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه ۴۰۲ نفر تعیین گردید. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این بررسی پرسشنامه می‌باشد. از آمار در دو سطح توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در سطح آمار توصیفی از نمودار، فراوانی، درصد و میانگین استفاده شده است و در سطح آمار استنباطی از ضریب همبستگی اسپیرمن، کندال و رگرسیون استفاده شده است. روایی ابزار پژوهش از طریق اعتبار صوری و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ بدست آمده است. مقادیر آلفا در جدول شماره ۲ آورده شده است. واحد آماری، سرپرستان خانوارهای شهر ایلام و واحد تحلیل، مناطق شهری (مناطق شهر ایلام) است.

جدول ۲- مقدار آلفای کرونباخ بدست آمده در مرحله پیش آزمون

ردیف	متغیر	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
۱	اعتماد بین فردی	۵	۰/۷۴
۲	اعتماد نهادی	۱۲	۰/۹۰
۳	اعتماد عمومی	۵	۰/۵۸
۴	همیارهای مردم	۶	۰/۸۰
۵	مشارکت رسمی	۷	۰/۷۵
۶	مشارکت غیر رسمی	۵	۰/۷۰

یافته‌ها

جدول ۳- مقادیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در شهر ایلام

مقادیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		جمع	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۱ اعتماد بین فردی	۱۰/۷	۴۳	۶۱/۴	۱۰۸	۲۶/۹	۱۰۸	۰/۷	۳	۰/۲	۱	۴۰/۲	۱۰۰
۲ اعتماد نهادی	۱/۷	۷	۲۴/۱	۹۷	۴۷/۳	۱۹۰	۲۳/۹	۹۶	۳/۰	۱۲	۴۰/۲	۱۰۰
۳ اعتماد عمومی	۰	۰	۳/۵	۱۳۸	۳۴/۳	۱۳۸	۵۱/۰	۲۰۵	۱۱/۲	۴۵	۴۰/۲	۱۰۰
۴ مشارکت رسمی	۰/۲	۱	۷/۵	۱۱۹	۲۹/۶	۱۱۹	۴۳/۸	۱۷۶	۱۸/۹	۷۶	۴۰/۲	۱۰۰
۵ مشارکت غیر رسمی	۱۱/۴	۴۶	۲۰/۲	۱۴۳	۳۵/۶	۱۴۳	۲/۷	۱۱	۰	۰	۴۰/۲	۱۰۰
۶ همیاری	۲۱/۱	۸۵	۴۹/۰	۱۹۷	۲۳/۹	۹۶	۵/۲	۲۱	۰/۷	۳	۴۰/۲	۱۰۰

بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و ... ۱۴۱

		۳۲/۲۰	۱۳۷	۱۲۴/۳۳	۵۱۲	۱۹۴/۳۶	۷۹۴	۱۹۴/۱۷	۷۸۷	۴۳/۲۱	۱۸۲	جمع
--	--	-------	-----	--------	-----	--------	-----	--------	-----	-------	-----	-----

همانطور که داده‌ها نشان می‌دهند؛ در بین سه مؤلفه اعتماد، بالاترین میزان به اعتماد بین فردی اختصاص یافته است اما میزان اعتماد نهادی چندان چشمگیر نیست. کمترین میزان اعتماد، به اعتماد عمومی تعلق دارد. از سوی دیگر میزان مشارکت‌ها در حوزه رسمی پایین و در حوزه غیررسمی بالاست و نرخ همیاری در جامعه مورد بررسی بالاست.

جدول ۴- شاخص‌های پراکندگی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در مناطق سه گانه شهر ایلام

سرمایه اجتماعی	همیاری	مشارکت غیررسمی	مشارکت رسمی	اعتماد عمومی	اعتماد نهادی	اعتماد بین فردی	مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی	
							پراکندگی	میانگین
منطقه ۱	۲/۸۷	۲/۰۳	۲/۳۲	۳/۹۳	۳/۷۵	۲/۸۶	۲/۱۹	میانگین
	۰/۴۴	۰/۷۷	۰/۶۹	۰/۶۵	۰/۷۸	۰/۸۰	۰/۷۲	انحراف معیار
	۰/۸۰	۰/۱۴	۰/۱۲	۰/۱۱	۰/۱۴	۰/۱۴	۰/۱۳	انحراف معیار میانگین
	۲/۸۳	۲/۰۸	۲/۴۰	۴/۰	۴/۰	۳/۰	۲/۲۰	میانگین
منطقه ۲	۲/۸۵	۲/۱۱	۲/۲۸	۳/۷۳	۳/۶۸	۳/۰۶	۲/۱۷	میانگین
	۰/۴۷	۰/۸۰	۰/۶۵	۰/۸۱	۰/۶۷	۰/۷۸	۰/۵۹	انحراف معیار
	۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۷۳	۰/۸۵	۰/۶۴	انحراف معیار میانگین
	۲/۸۳	۲/۰	۲/۴۰	۳/۸۵	۳/۸۰	۳/۰۸	۲/۲	میانگین
منطقه ۳	۲/۸۶	۲/۰۹	۲/۲۹	۳/۷۲	۳/۶۹	۰/۹۵	۲/۱۹	میانگین
	۰/۴۶	۰/۷۷	۰/۶۳	۰/۷۹	۰/۶۵	۰/۷۸	۰/۵۶	انحراف معیار
	۰/۲۰	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۲	انحراف معیار

							معیار میانگی ن	
۲/۸۳	۲/۰	۲/۴۰	۳/۸۵	۳/۸۰	۲/۹۱	۲/۲۰	میانه	
۲/۸۶	۲/۰۹	۲/۲۹	۳/۷۲	۳/۶۹	۰/۹۵	۲/۱۹	میانگین	کل
۰/۴۶	۰/۷۷	۰/۶۳	۰/۷۹	۰/۶۵	۰/۷۸	۰/۵۶	انحراف معیار	
۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۲	انحراف معیار میانگی ن	
۲/۸۳	۲/۰	۲/۴۰	۳/۸۵	۳/۸۰	۲/۹۱	۲/۲۰	میانه	

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که؛ میانگین اعتماد بین فردی در بین سه منطقه شهری اختلاف فاحشی با هم نداشته اما منطقه ۳ (توسعه نیافته) با میانگین ۲/۲۰ و منطقه یک (توسعه یافته) با میانگین عددی ۲/۱۹ در رتبه دو و منطقه ۲ (در حال توسعه) با میانگین عددی ۲/۱۷ در رتبه سوم قرار می‌گیرد. همچنین شاخص میانه متغیر اعتماد بین فردی در هر سه منطقه یکسان (۲/۲) می‌باشد. اعتماد نهادی در منطقه ۲ با میانگین عددی (۳/۰۶) بالاتر از منطقه ۳ (۲/۹۳) و منطقه ۱ (۲/۸۶) است. شاخص میانه برای متغیر مورد بررسی نشان می‌دهد منطقه ۲ دارای بالاترین (۳/۰۸) و منطقه ۳ دارای پایین‌ترین (۲/۹۱) میانه است. اعتماد اجتماعی در منطقه یک با میانگین عددی (۳/۷۵) بالاتر از منطقه ۳ (۳/۶۹) و منطقه ۲ (۳/۶۸) بوده است. شاخص میانه برای متغیر مورد بررسی نشان می‌دهد منطقه یک دارای بالاترین (۴) و مناطق ۲ و ۳ (۳/۸۰) در رده بعدی هستند. منطقه یک با میانگین عددی (۳/۹۳) دارای مشارکت رسمی بیشتر، منطقه ۲ (۳/۷۳) در رده دوم و منطقه ۳ (۳/۷۰) دارای پایین‌ترین میزان مشارکت رسمی می‌باشد. شاخص میانه برای متغیر مورد بررسی نشان می‌دهد که منطقه یک دارای بالاترین (۴) و منطقه ۳ دارای پایین‌ترین (۳/۷۱) میانه است. منطقه یک با میانگین عددی (۲/۳۲) دارای مشارکت غیررسمی بیشتر، منطقه ۳ (۲/۲۹) در رده دوم و منطقه ۲ (۲/۲۸) دارای پایین‌ترین میزان مشارکت غیررسمی می‌باشد. شاخص میانه برای متغیر مورد بررسی در

۱۴۳ بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و ...

همه مناطق (۲/۴۰) است. همیاری در منطقه ۲ و ۳ با میانگین عددی (۲/۱۱) بالاتر از منطقه یک (۲/۰۳) بوده است. شاخص میانه برای متغیر مورد بررسی در همه مناطق ۲ بوده است. منطقه یک با میانگین عددی (۲/۸۷) دارای بیشترین میزان سرمایه اجتماعی، منطقه ۲ و ۳ (۲/۸۰) در رده بعدی قرار دارند. شاخص میانه برای متغیر مورد بررسی در همه مناطق (۲/۸۳) می باشد.

جدول ۵- رابطه بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و توسعه مناطق شهر

فرضیات	sig	df	X ^۲ محاسبه شده	X ^۲ جدول
۱ رابطه بین سرمایه اجتماعی و سطح توسعه مناطق شهری	۰/۳۰۶	۴	۴/۸۱	۹/۴۹
۲ رابطه بین اعتماد بین فردی و سطح توسعه مناطق شهری	۰/۰۳	۸	۱۶/۳۰	۱۵/۵۱
۳ رابطه بین اعتماد نهادی و سطح توسعه مناطق شهری	۰/۴۶	۸	۷/۶۹	۱۵/۵۱
۴ رابطه بین اعتماد عمومی و سطح توسعه مناطق شهری	۰/۹۶	۶	۱/۳۷	۱۲/۵۹
۵ رابطه بین همیاری و سطح توسعه مناطق شهری	۰/۴۷	۸	۷/۵۷	۱۵/۵۱
۶ رابطه بین مشارکت غیررسمی و سطح توسعه مناطق شهری	۰/۹۴	۶	۱/۷۶	۱۲/۵۹
۷ رابطه بین مشارکت رسمی و سطح توسعه مناطق شهری	۰/۸۷	۸	۳/۷۹	۱۵/۵۱

همانطور که جدول ۵ نشان می‌دهد؛ در تمام فرضیات؛ به استثنای فرضیه شماره ۲، فرض عدم وجود رابطه بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و توسعه شهری پذیرفته می‌گردد:

- با توجه به این که مقدار X^2 محاسبه شده در مقایسه با X^2 جدول بیشتر است پس فرض H_1 (عدم وجود رابطه بین اعتماد بین فردی و توسعه شهری) رد، فرض H_0 (وجود رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه شهری) پذیرفته و فرضیه رد می‌گردد.
- در سایر فرضیات با توجه به این که مقادیر X^2 محاسبه شده در مقایسه با X^2 جدول کمتر می‌باشند پس فرض های H_1 (عدم وجود رابطه بین سرمایه اجتماعی و سایر مؤلفه‌های آن/ اعتماد نهادی/ اعتماد عمومی/ اعتماد/ همیاری/ مشارکت غیر رسمی/ مشارکت رسمی/ و توسعه شهری) پذیرفته، و فرض های H_0 (وجود رابطه بین سرمایه اجتماعی و سایر مؤلفه‌های آن/ اعتماد نهادی/ اعتماد عمومی/ اعتماد/ همیاری/ مشارکت غیر رسمی/ مشارکت رسمی/ و توسعه شهری) رد و فرضیات پذیرفته می‌گردند.

جدول ۶- مقادیر ضریب همبستگی و سطح معنی داری متغیرهای پژوهش بر اساس

متغیر	ضریب همبستگی
اعتماد بین فردی	-۰/۰۶۰
اعتماد نهادی	۰/۰۶۰
اعتماد عمومی	۰/۰۳۴
همیاری	۰/۰۲۰
مشارکت رسمی	۰/۰۰۸
مشارکت غیر رسمی	۰/۰۱۳

۰/۰۳۲	سرمایه اجتماعی
-------	----------------

همانطور که آزمون‌های پیشین نیز نشان دادند؛ با توجه به مقادیر شاخص‌های جدول شماره ۵، می‌توان این گونه داوری کرد؛ که بین متغیرهای مربوطه و مناطق سه گانه شهر ایلام، رابطه معنی داری وجود ندارد و تمام فرضیات- به غیر از فرضیه ۲- تأیید می‌شوند.

برای تعمیم یافته‌های نمونه آماری به جامعه آماری از آزمون **F** استفاده شده است.

جدول ۷- آزمون **F**

متغیر	سطح معنادار α	مقدار f	میانگین	درجه آزادی	مقیاس		
					کل	درون منطقه‌ای	بین منطقه‌ای
اعتماد بین فردی	۰/۹۳	۰/۰۷۰	۰/۰۲۳	۲	۱۲۸/۹۱	۱۲۸/۸۶	۰/۰۴۶
اعتماد نهادی	۰/۳۲	۱/۱۱	۰/۶۸	۲	۲۴۲/۹۹	۲۴۱/۶۳	۱/۳۶
اعتماد عمومی	۰/۸۸	۰/۱۲	۰/۰۵۴	۲	۱۷۱/۷۵	۱۷۱/۶۴	۰/۱۰
همیاری	۰/۶۶	۰/۴۰	۰/۲۴	۲	۲۳۹/۴۶	۲۳۸/۹۸	۰/۴۸
اعتماد کل	۰/۶۰	۰/۵۰	۰/۱۵	۲	۱۲۰/۹۳	۱۲۰/۶۲	۰/۳۰
مشارکت رسمی	۰/۳۱	۱/۱۴	۰/۷۲	۲	۲۵۳/۱۸	۲۵۱/۷۳	۱/۴۵
مشارکت غیررسمی	۰/۹۶	۰/۰۳۵	۰/۰۱۴	۲	۱۶۲/۱۵	۱۶۲/۱۲	۰/۰۲۹
سرمایه اجتماعی	۰/۸۶	۰/۱۴	۰/۰۳۱	۲	۸۵/۵۱	۸۵/۴۵	۰/۰۶۱

با توجه به مقادیر f و سطح معنی داری محاسبه شده، ملاحظه می‌شود که بین هیچ کدام از متغیرهای مورد بررسی با مناطق مورد مطالعه رابطه معنی داری وجود ندارد؛ بنابراین نتایج حاصل از نمونه آماری به جامعه آماری قابل تعمیم است.

نتیجه‌گیری

در جهان پیچیده امروز، اصلی‌ترین یا دست کم یکی از مهمترین مباحث مورد علاقه صاحب‌نظران در جامعه‌شناسی توسعه، عموماً و مدیریت توسعه خصوصاً توجه به چگونگی و میزان تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... است. در این بین تأثیر سرمایه اجتماعی در تمام جوامع مثبت و یکسان نبوده و پروسه توسعه در همه جا فرآیند واحدی را طی ننموده است. در همین راستا ممکن است نتایج بررسی حاضر از جهاتی در جهت تأیید تحقیقات پیشین از خود و از جنبه‌هایی نیز در جهت متضاد آنها باشد.

در این پژوهش ارتباط معنی داری بین سرمایه اجتماعی و سطح توسعه مناطق شهری دیده نمی‌شود. نتایج تحقیقات خاکپور و همکاران (۱۳۸۵)، غیاثوند (۱۳۸۸)، نوغانی و همکاران (۱۳۸۶)، جاکوبز (۱۹۶۱)، بولن (۱۹۹۲) و پاتنام (۲۰۰۰) نشان داند که بین سرمایه اجتماعی و توسعه رابطه مثبت وجود دارد که با نتایج تحقیق حاضر ناهمخوان است.

آزمون فرضیه دیگر نشان داد: که بین اعتماد نهادی و سطح توسعه مناطق شهری رابطه‌ای وجود ندارد. نتایج تحلیل ثانویه بوستانی (۱۳۸۶) نشان داد میزان اعتماد به نهادها و اقشار عمومی در حد متوسط و حتی ضعیفی است. نتایج تحقیق تقوایی و همکاران (۱۳۸۵) و رضا دوست و عابدزاده (۱۳۸۶) و موسوی (۱۳۸۵)، نشان دادند که هر چه میزان رضایت از خدمت رسانی مسئولان زیادتر باشد میزان سرمایه اجتماعی نیز بالاتر است.

آزمون فرضیه دیگر نشان داد که بین مشارکت رسمی و سطح توسعه مناطق شهری رابطه‌ای وجود ندارد. تحقیق فیروزآبادی و جاجرمی (۱۳۸۵) نشان داد که مشارکت رسمی در منطقه توسعه یافته بیشتر است که نتیجه تحقیق حاضر نیز نشان داد؛ که میزان مشارکت رسمی در مناطق توسعه یافته بالاتر است.

آزمون فرضیه دیگر نشان داد: که بین مشارکت سیاسی و توسعه مناطق شهری رابطه‌ای وجود ندارد. نتایج تحقیق تقوایی و همکاران (۱۳۸۵)، رضا دوست و عابدزاده (۱۳۸۶) و موسوی (۱۳۸۵)، نشان داد که هر چه میزان رضایت از خدمت رسانی مسؤولان زیادتر باشد میزان تمایل به مشارکت و سرمایه اجتماعی نیز بالاتر است.

نتایج تحقیق قاسمی و همکاران (۱۳۸۵) نشان داد که شاخص‌های سستی سرمایه اجتماعی در استان اصفهان بالاتر از شاخص‌های مدرن آن هستند، نتایج تحقیق حاضر نیز نشان داد که میزان مشارکت رسمی کم، مشارکت غیررسمی بالا و مشارکت سیاسی متوسط است. نتیجه تحقیق حاضر نشان داد که مشارکت رسمی و غیررسمی در منطقه یک بالاتر است، شاید این به دلیل جو اجتماعی حاکم بر شهر ایلام باشد که دارای اوضاعی بهم ریخته و نامنسجم از لحاظ اجتماعی و فرهنگی است.

شهر ایلام به لحاظ قرار گرفتن در دوره‌ای معروف به دوره گذار، دچار نوعی از هم پاشیدگی هنجاری گشته که تمایل برای کسب هنجارهای جدید در آن مشهود است، بویژه نسل جدید در صدد است که ارزش‌ها و استانداردهای پیشینیان را در هم شکسته و به گفته فوکویاما نظم پیشین را فرو ریزد و طرحی نو دراندازد. طبق تئوری هابرماس در سازوکار جدید، زیست جهانی که با عقلانیت و کنش ارتباطی تدبیر می‌شود دیگر چنین نیست، در روابط متقابل افراد اختلال ایجاد شده، وفاق اجتماعی تحلیل رفته و سرگردانی و بلا تکلیفی در رفتار کنشگران دیده می‌شود؛ در یک جمله جامعه از الگوی خاصی پیروی نمی‌کند. در چنین فضایی نباید انتظار داشت که هر چیز سر جای خودش باشد. با شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه مورد مطالعه، نه

می‌توان رفتارهای جمعی افراد را پیش بینی کرد و نه می‌توان آن را به الگوی خاصی نسبت داد، بلکه می‌توان بهم ریختگی را در سراسر آن مشاهده نمود.

طبق نظریه آنومی اجتماعی دورکیم جامعه شهری ایلام یک جامعه در حال گذار است؛ در چنین جامعه‌ای به ندرت می‌توان رفتارهایی همچون اعتماد، همیاری، و... را پیش بینی نمود. چرا که سازوکاری که در سیستم قبلی (سنتی) این گونه رفتارها را تدبیر می‌کرد مبتنی بر همبستگی مکانیکی بود که با شروع روند توسعه در این شهر دیگر قادر به تدبیر امور نیست و تا رسیدن به مرحله همبستگی ارگانیک، جامعه و امور جاری در آن دچار سرگشتگی اجتماعی شده و هیچ چیز در سر جای خود نیست. در این دوره در فرآیند کنش متقابل افراد تحول بوجود می‌آید که منجر به رشد فردگرایی، سستی نظام هنجاری، عدم پیش بینی رفتارهای جمعی و فردی و تشکیک در اقتدار و فروپاشی نظام‌های اقتداری پیشین می‌شود. طبق نظریه هابرماس زیست جهان آن دستخوش تحول گشته و می‌رود که زیر استیلای سیستم عقلانیت ابزاری قرار گیرد. فرآیند ورود مدرنیزاسیون ° که همزمان با تحولات سریع شهر ایلام است- در جریان تخریب زیست جهان آن زمان ایلام (سنتی) نقش مهمی داشت و مقدمات سیطره سیستم (ورود تکنولوژی) بر زیست جهان مبتنی بر خرد ارتباطی را مهیا کرد. از سوی دیگر مهاجرت‌های روستایی، نوعی اختلاط مکانی و طبقاتی را ایجاد کرد، در چنین جامعه‌ای سازوکار همیاری‌ها متفاوت می‌شود، شاید در چنین جامعه‌ای در مواقع بحران افراد حاضر باشند برای دفاع از وطن و هم وطن‌شان جان خود را فدا کنند ولی در صورت خرابی سیستم‌های تلفن یا قطع آب و برق محله خود، حاضر به اطلاع رسانی به سازمان مربوطه و پیگیری مشکل تا زمان رفع کامل و همکاری با آنها نیستند.

اعتماد چنین جامعه‌ای نه از نوع نهادی یا عمومی بلکه از نوع درون گروهی است. در چنین جامعه بحران زده و دستخوش تحول، افراد جز به نزدیکان خود به کسی اعتماد ندارند و بازار اعتماد عمومی کساد است. بدیهی است که این شهر با اعتماد درون گروهی نمی‌تواند به توسعه دست یابد.

مخلص کلام این که؛ طبق نظریه آنومی دورکیم و برزخ اجتماعی، شهر ایلام در مرحله سرگشتگی اجتماعی به سر می‌برد، و طبق نظریه هابرماس در مرحله گذار از عقلانیت ارتباطی به عقلانیت ابزاری است و این دو دیدگاه با هم هم پوشانی دارند؛ زیرا از نظر هابرماس، زیست جهان در واقع شکل عقلانی شده وجدان جمعی است (هابرماس، ۱۹۸۹: ۴۳).

در پی آنچه که آمد به این نتیجه می‌رسیم که، از آنجایی که تئوری مبنایی پژوهش حاضر صحت تمام فرضیات را به اثبات رساند و آنها را تبیین کرد، پس یک تئوری مناسب برای تبیین مسأله حاضر است.

بر مبنای این استنتاج جهت خروج از وضعیت موجود جامعه ایلام موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

- ایجاد مکان‌هایی به نام خانه محله جهت طرح و رفع مشکلات موجود در محلات
- فراهم نمودن فضایی جهت ایجاد تشکل‌ها و انجمن‌های خودگردان و استفاده از نیرو و استعداد زنان جهت استفاده از نظرات شهروندان در تصمیم‌سازی‌ها، که تحقق واقعی این امر منوط به احراز فضایی دموکراتیک بر عرصه‌های فعالیت‌های اجتماعی است.
- جهت تخفیف تخریب زیست جهان موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:
- تغییر نگرش مدیریت توسعه استان در خصوص متناسب کردن عرضه امکانات سخت افزاری و تکنولوژی به محیط شهر با منابع و امکانات نرم افزاری جامعه
- ایجاد زمینه‌های مشارکت واقعی مردم در امر توسعه.

- ابوالحسن تنهایی، حسین. (۱۳۷۵)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی (۲)*، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- اکبری، غلامرضا. (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی و حکمرانی شهری، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۸۳.
- امیری، مهدی، و رحمانی، تیمور. (۱۳۸۵)، مقاله: بررسی آثار سرمایه اجتماعی درون و برون گروهی بر رشد اقتصادی استان‌های ایران، *دو فصلنامه جستارهای اقتصادی*، سال سوم، شماره ششم.
- باستانی، سعید و کمالی، احمد و صالحی هیکویی، مریم. (۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی شبکه و اعتماد متقابل بین شخصی، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، سال شانزدهم، شماره ۶۱.
- بوستانی، داریوش. (۱۳۸۶)، *سرمایه اجتماعی و توسعه سیاسی در ایران*، www.sid.ir، جلد سوم سیاست‌های توسعه اجتماعی.
- پیران، پرویز، وموسوی، مهدی و شیانی، ملیحه. (۱۳۸۵)، مقاله: کار پایه مفهومی و مفهوم سازی سرمایه اجتماعی با تأکید بر شرایط ایران، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۳.
- توکلی، محسن و میرزاپور، سعید. (۱۳۸۸)، ارزیابی سرمایه اجتماعی در راستای تحلیل مدیریت شهروند محور مطالعه موردی محلات شهر خرم آباد، *همایش برنامه ریزی شهری خرم آباد*.
- تشکر، زهرا و معینی، محمدرضا. (۱۳۸۵)، *نگاهی به سرمایه اجتماعی و توسعه*.
- تقوایی، محمد؛ خوب آیند، سعید. (۱۳۸۱)، بررسی شاخص‌های برخورداری و درجه‌بندی توسعه در شهرستان‌های استان ایلام، *فصلنامه فرهنگ ایلام*، شماره نهم و دهم.

بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و ... ۱۵۱

- ثانی، جعفر؛ ملکی، غلامرضا. (۱۳۸۵)، «سرمایه اجتماعی به مثابه یک سیستم پیچیده».
- حسینی، احمد؛ علمی، زهرا؛ شارع پور، محمود. (۱۳۸۵)، رتبه بندی سرمایه اجتماعی در مراکز استان‌های کشور، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۸۴.
- حیدری، شاهین. (۱۳۸۸)، *در جستجوی هویت شهری ایلام*، انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- خاکپور، سعید. (۱۳۸۵)، «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله‌ای کوی سجادیه شهر مشهد».
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۴)، *نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران: چاپ نهم.
- روشن فکر، پرویز؛ ذکایی، محسن. (۱۳۸۵)، جوانان سرمایه اجتماعی و رفتارهای داوطلبانه، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۳.
- دینی ترکمانی، علی. (۱۳۸۵)، تبیین افول سرمایه اجتماعی، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۳.
- سعادت، رحمان. (۱۳۸۵)، تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی استان‌ها، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۳.
- شارع پور، محمود. (۱۳۸۵)، فرسایش سرمایه اجتماعی، مفهوم سازی، سنجش و دلالت‌های سیاست‌گذاری، *سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مازندران*.
- صمدی، علی. حسین. (۱۳۸۷)، *سرمایه اجتماعی و توسعه مالی: اقتصاد ایران (۱۳۵۰-۱۳۸۵)*.

- صفدری، محسن؛ کریم، محمدحسین؛ خسروی، محمدرضا. (۱۳۸۷)، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران، *فصلنامه اقتصاد مقداری*، دوره ۵، شماره ۲.
- فدوی، جمیله. (۱۳۸۷)، بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه شهری با تأکید بر منطقه ۵ شهر تهران، *پایان نامه کارشناسی ارشد* دانشگاه آزاد تبریز، استاد راهنما: دکتر مهرداد نوابخش، استاد مشاور: دکتر حمید پور یوسفی.
- فیروزآبادی، احمد؛ ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی ° اجتماعی در کلان شهر تهران، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۳.
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۵)؛ *پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، ترجمه: غلامعباس توسلی، تهران: حکایت قلم نوین.
- قاسمی، یارمحمد. (۱۳۷۹)، در جستجوی یک نظریه آسیب شناختی، *فصلنامه فرهنگ ایلام*، شماره دوم.
- قاسمی، یارمحمد. (۱۳۸۲)، بررسی پدیده آنومی در ایلام، *فصلنامه فرهنگ ایلام*، شماره پانزدهم.
- قاسمی، یارمحمد. (۱۳۸۹)، *بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و قانون پذیری در بین مردم استان ایلام*، طرح پژوهشی برای دانشگاه ایلام.
- قاسمی، وحید؛ اسماعیلی، رضا؛ ربیعی، کاظم. (۱۳۸۵)، سطح بندی سرمایه اجتماعی در شهرستان‌های استان اصفهان، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۳.
- غلیوردی‌نیا، امیر؛ شارع پور، محمود؛ ورمزیار، مهدی. (۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری، *مجله پژوهش زنان*، دوره ۶، شماره ۲.
- غریبی، حسن. (۱۳۸۹)، پیش بینی سرمایه اجتماعی بر اساس متغیرهای زمینه‌ای، *فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی*، سال دوم، شماره دوم.

بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و ... ۱۵۳

- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷)، *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

- ملکی، سعید. (۱۳۸۷)، تعیین سطح توسعه یافتگی نواحی شهری ایلام؛ با استفاده از روش‌های تحلیل عاملی و شاخص‌های ترکیبی توسعه انسانی»، *فصلنامه فرهنگ ایلام*، شماره ۲۱ و ۲۰.

- ملکی، سعید. (۱۳۸۸)، *فرهنگ شهر نشینی و توسعه پایدار شهری با نگاهی به شهر ایلام*، *فصلنامه فرهنگ ایلام*، شماره ۲۳-۲۲.

- موسوی، احمد. (۱۳۸۵)، برنامه ریزی توسعه محله‌ای با تأکید بر سرمایه اجتماعی؛ مطالعه موردی کوی طلاب شهر مشهد، *پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای*، استاد راهنما: دکتر علی اکبر تقوایی، استاد مشاور: دکتر مجتبی رفیعیان، دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس

- Habermas.y. (۱۹۷۰). *Towards a Rational sociology*, London Routledge &keyan paul.

- Habermas.y. (۱۹۸۹). *The structural Transformation of the public sphere* Cambridge . polity press

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی